مراكز شهري موفق

مقدمه

مراكز شهري سنتي (مانند ميدان شهداء در مشهد) در بيشتر شهرها شبيه هم بوده و احتمالاً شامل يك ميدان، مكان تاريخي و تجاري و يا يك فضاي عمومي مي‌شوند. اين مراكز هسته فعاليت‌هاي مهم شهري از جمله خريد و فروش، كسب و كار، گردهمايي‌ها و مراسم مختلف اجتماعي است. ممكن است ساختمان‌هاي مهم از جمله كتابخانه‌ها، ساختمان شوراي شهر و شهرداري، موزه‌ها، ادارات دولتي، مكان‌هاي عبادي، سينماها، دادگاه‌ها و مؤسسات عمومي ديگري نيز در اين مناطق واقع شده باشند. با مشاركت قوي و هدف‌گذاري مشخص مي‌توان به اين فضاها و محوطه‌هاي عمومي روح تازه‌اي دميد و محيطي پويا و منسجم را ايجاد نمود. بنابراين با توجه به اهميت اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي مراكز شهري به ويژه ارزش و اعتباري كه از جنبه هويتي و رواني دارند، ساماندهي و بهسازي اين مكان‌ها فوق‌العاده اهميت دارد.

موانع

يک مركز شهري موفق بايد كانون معاشرت و تعاملات اجتماعي، تجارت و همچنين فعاليت‌هاي فرهنگي باشد. براي موفقيت هر چه بيشتر مراكز شهري، به هم پيوستگي مؤسسات و جاذبه‌هاي پيرامون و درون آنها اهميت دارد. براي كمك به ايجاد مراكز شهري موفق و فائق آمدن بر مشكلات موجود در اين مكان‌ها راهبردهاي تجربه شده‌اي ارائه شده است:

۱- ايجاد ساختاري مطلوب در مراكز شهر به منظور جذب افراد به اين مكان‌ها: يك مركز شهري موفق بدون مديريت يا برنامه‌ريزي قوي نمي‌تواند اهدافش را تحقق بخشد. براي ساخت يك مركز شهري موفق سؤالات متعددي مطرح است: چه كسي از آن استفاده خواهد كرد؟ چه نوع فعاليتي در آنجا انجام خواهد شد؟ مسئوليت رسيدگي و نگهداري از آن به عهده چه نهاد يا سازماني خواهد بود؟

راه حل:

- برگزاري برنامه‌هاي متنوع از جمله رويدادها و فعاليت‌هاي مورد علاقه تمام افراد جامعه: موقعي كه يك فضاي عمومي ساخته مي‌شود، معمولاً افراد براي رفتن به آنجا به دنبال دليل مي‌گردند. يكي از

يک مرکز شهری موفق باید کانون تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های فرهنگی باشد.

سازمان‌های هنری و فرهنگی باید تشویق شوند تا از عملکرد مراکز شهری برای جذب مخاطبان جدید استفاده کنند.

ضروري‌ترين جاذبه‌ها تهيه تقويم كاملي از رويدادها و فعاليت‌هاست. خوشبختانه، مراكز شهري به دو دليل موقعيت‌هاي ايده‌آلي را براي برنامه‌ريزي در فضاهاي عمومي فراهم مي‌آورند: اولاً اين مراكز براي سازمان‌هاي پيرامون، يك انتخاب طبيعي به حساب مي‌آيند تا با برپايي مراسم مختلف بر فعاليت‌هايشان تأكيد ورزند؛ مثلاً در يك موزه مي‌توان آثار هنري را به نمايش گذاشت يا در دادگاه يك نشست مدني را برگزار كرد. ثانياً در مراكز شهري به عنوان مكان‌هايي كه ارزش‌هاي مردم سالاري در آن نهفته است بايد تلاش شود تا جاذبه‌هايي براي جوامعي كه در اطراف اين مناطق كار يا زندگي مي‌كنند فراهم آيد. درگير نمودن طيف وسيعي از گروه‌هاي محلي براي برنامه‌ريزي در مورد فضاهاي عمومي و برگزاري فعاليت‌هاي مورد علاقه تمام افراد با سنين، فرهنگ و پيشينه‌هاي مختلف ضروري است. سازمان‌هاي هنري و فرهنگي بايد تشويق شوند تا از عملكرد مراكز شهري براي جذب مخاطبان جديد استفاده كنند. جشنواره‌هاي قومي، بازارهاي عمومي، تئاتر و موسيقي به طور خاص تنوع مناطق پيرامون و به طور كل تنوع جامعه را منعكس مي‌نمايند و باعث مي‌شوند تا مردم احساس كنند اين فضاها متعلق به خودشان است.

۲- بازگرداندن پيوند از دست رفته: در سراسر جهان الگويي براي قرار گرفتن سازمان‌هاي شهري در كنار يكديگر وجود دارد. با وجود اين كه سازمان‌هاي پيرامون از خيابان‌هاي مشتركي استفاده مي‌كنند، مخاطبان مشتركي دارند و حتي بسياري از آنها داراي اهداف مشتركي نيز مي‌باشند، اما بندرت با يكديگر در ارتباط هستند. در نتيجه، بسياري از فرصت‌ها براي تحقق اهداف دو جانبه برآورده نمي‌شود. براي مثال، در شرايطي كه بانك توسعه داخلي آمريكا در واشنگتن‌دي‌سي نياز مبرم به يك مهدكودك داشت، مسئولان بانك با تمام قوا تلاش كردند تا طبقه همكف را به اين منظور اختصاص دهند. آنها اطلاع چنداني نداشتند كه درست آن طرف خيابان قرار بود مهدكودك يك كليسا به خاطر به حد نصاب نرسيدن تعداد افراد ثبت‌نامي بسته شود. نبود روابط فعال بين سازمان‌ها موجب مي‌شود تا اين فرصت‌هاي دوجانبه تحقق نيابد. همچنين گسستگي و ناهماهنگي اغلب منجر به همپوشاني بي‌ثباتي، يا شكاف در كارهاي اجرايي مي‌شود. براي مثال در پروژه مرمت پياده‌روها كه توسط دو سازمان انجام مي‌شود ممكن است از مواد مختلفي استفاده شود و يا در يك خيابان پنج بار عمليات حفاري صورت گيرد (براي سامانه جديد لوله‌كشي فاضلاب، فيبرهاي نوري، كابل‌كشي و غيره). پيوند از دست رفته، همان ارتباط است. يك مركز شهري موفق محلي فراتر از مجموعه‌اي از بناهاست و بنابراين براي موفقيت كامل و مطلوب به شبكه‌اي قوي از مشاركت‌ها نياز است.

راه حل:

- همكاري با يكديگر براي ارائه طرح‌هاي مناسب به منظور پوياتر ساختن مراكز شهري: توسعه يك

توسعه یک طرح محلی و نقشه برداری از کلیه فعالیت های برنامه ریزی شده و در دست اقدام در مرکز شهر ضروری است.

طرح محلي، مستندسازي و نقشه‌برداري از كليه فعاليت‌هاي برنامه‌ريزي شده و در دست اقدام در مركز شهر ضروري است. علاوه بر اين، مرزهاي هر بخش بايد مشخص و نقشه‌برداري شود. اين طرح بايد به سازمان‌هاي محلي (سازمان‌هاي مرتبط با پارك‌ها، خدمات عمومي و حمل ونقل) ارائه شود و شهرداري تأمين بودجه و اجراي طرح‌ها را به عهده گيرد.

- اطلاع رساني در مورد رويدادهاي فرهنگي و مشاغل محلي: مراكز شهري در طي روز مملو از كارمندان ادارات مختلف است كه مخاطبان معمول براي سازمان‌هاي فرهنگيِ مجاور به حساب مي‌آيند. در صورتي كه اقدام مشتركي براي تشويق اين مخاطبان صورت گيرد آنها به مؤسسات فرهنگي و مشاغل محلي كمك مالي خواهند كرد.
- متحد شدن با يكديگر براي توسعه يك راهبرد مديريتي در منطقه: هنگامي كه فعاليت‌هاي مختلف به طور هم‌زمان در دست اقدام باشد، يك تلاش گروهي مديريتي باعث خواهد شد تا نظارت‌ها هماهنگ شود. در صورتي كه علايق دوطرفه به رسميت شناخته شود، روابط ايجاد شود و ديدگاه كليه افراد ذي‌نفع ارائه شود، وجود مديريت جديد مي‌تواند نقشي بي‌طرف را ايفا كند. براي شروع اين كار، توجه به موارد زير مهم است: رسيدگي و امنيت (مرمت پياده‌روها، محله‌ها، سياست‌گذاري‌ها و غيره)؛ دسته‌بندي كردن هر طرح يا پروژه كوچكي براي تأثيرگذاري بيشتر در كل منطقه (نما، برنامه‌هاي توسعه، كاشت درختان در حاشيه خيابان، مسيرهاي تجاري، بازسازي، منظره‌سازي و غيره)؛ ارائه ساز و كارهاي تأمين بودجه كه مبتني بر منابع متعدد است توسعه شغلي، ارزيابي منطقه‌اي، كمك‌هاي بخش عمومي و رويدادهاي خاص.

۳-پياده‌روي در مراكز شهر: متأسفانه طراحي و موقعيت بسياري از مراكز شهري به گونه‌اي است كه مانع پياده‌روي مردم در اين مسيرها مي‌شود. با وجود اين كه ادارات، رستوران‌ها و مؤسسات فرهنگي ممكن است نزديك يكديگر واقع شده باشند اما يك جوّ نامطلوب براي عابرين پياده، آنها را وادار مي‌كند تا از پياده‌روي صرف‌نظر كنند. در بسياري از موارد، خيابان‌ها متناسب با ترافيك بيشتر و سريع‌تر وسايط نقليه طراحي شده‌اند كه اين امر امنيت عابرين پياده را به خطر مي‌اندازد.

راه حل:

- ارائه طرحي براي كاهش ترافيك و پياده‌گرايي: ارائه يك طرح مطلوب براي روان سازي ترافيك باعث مي‌شود تا مردم براي رفتن به مكان‌هاي مختلف در محدوده مركزي شهر از دوچرخه يا حمل و نقل عمومي استفاده كنند و يا اين مسيرها را پياده طي كنند. اولين گام، نقشه‌برداري و نام‌گذاري كليه فضاهاي عمومي، مكان‌هاي فرهنگي، خرده‌فروشي‌ها، محل‌هاي كاري و ايستگاه‌هاي حمل و نقل عمومي

مراكز شهر است. اين طرح بايد بر حلقه‌هاي ارتباطي مطلوب براي پياده‌روي در اين مكان‌ها تأكيد ورزد و مكاني كه بايد مسيرهاي پياده‌روي جديد در آن ايجاد شود را مشخص نمايد. سپس با استفاده از اين موقعيت‌ها و راه‌هاي ارتباطي مي‌توان ديدگاه‌ها و پيشنهادهاي مهمي را براي يك سامانه حمل و نقل گسترده در منطقه ارائه داد. با استفاده از طرح‌هاي جامع‌تر مي‌توان براي نشستن در هواي آزاد و پذيرايي، پياده‌روها را وسيع‌تر؛ براي فراهم آوردن پاركينگ داخل خيابان، مسير تردد وسايط نقليه را باريك‌تر؛ براي كوتاه كردن فواصل عبور، گذرگاه‌هاي عابر پياده را برجسته‌تر نمود و مانع از سرعت خودروهاي در حال گردش شد و در صورت امكان خيابان‌هاي يك طرفه را به خيابان‌هاي دوطرفه تبديل كرد.

٤-نامگذاري مناسب: نامگذاري مركز شهر بايد به گونه‌اي باشد تا افراد را به خود جلب كند و هيچ كس به آساني اين مكان را از ياد نبرد.

راه حل:

- نصب علائم مشخص در سراسر مركز شهر: اين امر باعث مي‌شود تا مركز شهر يك محله فرض شود و مردم مسيرهاي اين محدوده را پياده طي كنند.
- معرفي و اطلاع رساني درست در مورد مركز شهر: كالاها، خدمات و برنامه‌هايي كه توسـط هر سـازمان ارائه مي‌شود بايد با همديگر و به شيوة منسجمي عرضه شود. نهادهاي مختلف اغلب به كاربران مشابهي خدمات مي‌دهند، بنابراين توسعه يك راهبرد مشترك، اهميت خاصي به اين مكان مي‌بخشد. اين مراحل عبارتند از: توسعه يك نقشه مرجع كه تمام برنامه‌ها و خدمات شهري را در درون و پيرامون يك منطقه فهرست كرده باشد؛ تهيه بروشوري براي بازديد كنندگان كه تمام جاذبه و تسهيلات رفاهي موجود منطقه در آن ذكر شده باشد؛ توزيع يك دفترچه راهنما براي كليه افراد ذي‌نفع، ساكنين محل و كارمندان منطقه با درج فرصت‌هاي داوطلبانه در محل.

منبع:

- www.pps.org/civic_centers/info/civic_centers_articles/civic_centers_solutions

مركز پژوهش‌هاي شوراي اسلامي شهر مشهد

(٨٨/٥/٢٤)